

در خبرها آمده است که در برنامه «از سرگذشت» ۲۵ صفت انسانی همراه با قصه‌ها بازگو می‌شود. از محسن نجفی سولاری، تهیه‌کننده ازسرگذشت می‌پرسیم این صفات بر چه اساسی انتخاب شدند و چه هستند؟ که پاسخ می‌دهد: در طراحی اولیه فرم برنامه قرار بود مهمانان ما قصه‌هایی از لحظاتی در زندگی‌شان بگویند که به دوراهی‌های سرنوشت‌ساز می‌رسند. لحظه مهم تصمیم‌گیری در این دوراهی‌ها وجود دارد. در این میان یک‌سری صفات را مثل ایثار، صبر، اخلاق، ظلم‌ستیزی، شجاعت، غیرت، صداقت، عدالت، بصیرت، کمال‌گرایی، حفظ آرامش، تدبیر و تدبیر، جوانمردی و امثالهم را در نظر گرفتیم که در این قصه‌ها برجسته بود و در لحظه تصمیم‌گیری هر آدمی به آن نیاز دارد. تیم ۱۲ - ۱۰ نفره سوزه‌یاب و گروه سردبیری ما تلاش کردند با رصد منابع نوشتاری، دیداری و جست‌وجوی مفصل به این افراد برسند. بسیار کار پیچیده و سختی بود. می‌شود گفت قصه‌ها دوراهی داشت و در دل قصه‌ها این صفات جاری بود.

■ «از سرگذشت» در محرم‌شهر

گفته می‌شود دکور برنامه ازسرگذشت قرار است در سطح شهر هم اجرا شود. این تهیه‌کننده در مورد اجرای دکور در شهر عنوان می‌کند: با توجه به این‌که سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران با شبکه نسیم بابت تولید این برنامه و ماجرای کمپین مفصل محرم‌شهری که شهرداری تهران قرار است به مدت ۱۰ تا ۲۰ روز در نقطه مشخصی از شهر تهران برپا کند به تعامل رسیدند، قرار شد دکور برنامه از سرگذشت با توجه به ویژگی‌های بصری و جذابیتهی که در آن وجود دارد، در محرم‌شهر نصب شود. این‌شاء... یک‌سری اتفاقات دیگر هم ازبابت حضور دکور ما خواهد افتاد که بعداً درباره‌اش صحبت می‌کنیم.

در سال‌های اخیر برنامه‌هایی که بر محور تجربه‌گویی مهمانانش استوار است، تعدادشان بیشتر شده؛ از برنامه با سابقه «ماه عسل» بگیر تا «زندگی پس از زندگی» و... . نجفی درباره این‌که ازسرگذشت چه تفاوت‌ها و نوآوری‌هایی دارد تا همچنان بتواند مخاطبان را با این سبک برنامه‌ها همراه کند، می‌گوید: برنامه‌های گفت‌وگومحور بسیار خوبی در طول این سال‌ها ساخته و پخش شده‌است، ما تلاش کردیم به جهت فرم، تغییراتی را ایجاد کنیم. از این نظر هم‌زمان در دو دکور مختلف اتفاقاتی رخ می‌دهد. یک مهمان سرشناس داریم که به گفت‌وگو و قصه مهمانمان در دکور اول

نگاه می‌کند. در ادامه و در قسمت دوم هر دو در کنار هم قصه را ادامه می‌دهند. سعی کردیم مهمانان دوم‌مان یا همذات‌پنداری داشته یا در همان فضا تجربه‌ای داشته باشند. فکر می‌کنم از این جهت توانسته باشیم مقداری تفاوت ایجاد کنیم. همان‌طور که در قسمت اول دیدیم، قصه در دو شب ادامه پیدا کرد. تهیه‌کننده درباره این روند توضیح می‌دهد: روند برنامه این چنین است که در شب اول مخاطبان قصه‌ای را می‌شنوند و مهمان چهره‌ای این قصه هم در استودیوی دیگر، شاهد این روایت هستند. در شب دوم این قصه در کنار مهمان چهره ادامه پیدا می‌کند و مهمانانی که تشریف آوردند خودشان را در موقعیت مهمان اول قرار می‌دهند و از زندگی و دوراهی‌های خود می‌گویند. در ماجرای سرهنگ ثریا با توجه به این‌که آقای افخمی کارگردان سینما هستند و این قصه هم تبدیل به یک فیلم سینمایی شده بود، از ایشان دعوت کردیم. البته در بیشتر شب‌ها این تعامل با مهمان بیشتر است و مهمان سرشناس از خود و زندگی‌اش بیشتر می‌گوید.

وی درباره تعداد مهمانان برنامه هم بیان می‌کند: در این ۶ شب در خدمت ۱۲۰ مهمان بودیم. ۶۰ مهمان که قصه زندگی‌شان را تعریف می‌کنند و ۶۰ چهره که آنها هم از خودشان خواهند گفت. نجفی مبنای انتخاب مهمانانی که از تجربه خود می‌گویند و همچنین چهره‌ای که شنوای قصه آنان است را این گونه توصیف می‌کند: چهره‌ای که می‌آید یک جاهایی با کسی که قصه‌اش را تعریف می‌کند همذات‌پنداری کرده و در ادامه، تعاملی دارند که احتمالاً برای بیننده جذاب است. وی ادامه می‌دهد: مهمان چهره و سرشناس، خودش را در این چالش قرار می‌دهد و می‌گوید اگر جای این شخص بود چه می‌کرد. در این راستا سولاری در ذهن مهمانان مطرح می‌شود که باید جواب‌شان را بگیرند. در قسمت دوم هم از زندگی خود این شخص می‌شنویم و هم در ین روند جواب‌هایش را می‌گیرد.

■ ماجرای دوراهی‌های زندگی

اجرای برنامه از سرگذشت به یک مجری جوان سپرده شده‌است. با این‌که لزوم معرفی چهره‌های تازه حس می‌شود، در انتخاب آنها این نگرانی وجود دارد که مخاطبان کمتر با برنامه ارتباط برقرار کنند. نجفی در این مورد بیان می‌کند: لازم بود چهره جدید، این کار را انجام دهد. آقای قلیچ، خواننده خوبی است و در این سال‌ها با توجه به این‌که موسیقی را در فضای معنوی و مذهبی انتخاب کرده، چند جلسه با همدیگر صحبت کردیم و تسلط ایشان را دیدیم. احساس کردیم مخاطب با توجه به ویژگی‌هایی که این مجری دارد از کار او استقبال خواهد کرد. واقعیت این است که

ریسک کردیم اما نتیجه گرفتیم. مخاطب به‌زودی با ایشان اخت خواهد شد. تسلط ایشان بر انگلیسی و عربی هم در این انتخاب اثر داشت. چون مهمانانی با این زبان‌ها داریم. نجفی درباره چالش کارهای مناسبی و تفاوت حال و هوای‌شان بیان می‌کند: کار مناسبی با توجه به ایام محرم و صفر ویژگی‌هایی دارد که با چالش همراه است. همچنین فشاری از بابت زمان پیش‌تولید، تولید و پس‌تولید داریم. به هر حال ۶۰ شب پشت هم برنامه داشتن کار آسانی نیست.

چیدمان مهمانان و این‌که چه طراحی برای چه شبی در نظر گرفته شود، مسأله بعدی است. شبکه نسیم در طول سال بیشتر فضای سرگرمی و نشاط دارد و این‌که بخواهی مخاطبان این شبکه را به فضای سنگین ببری و با محتوای سنگین مواجه‌شان کنی باید طراحی خلاقانه پشت ماجرا باشد. سعی کردیم در انتخاب سوزه‌ها و قصه‌های مان در شبکه نسیم و مخاطبان این شبکه که بیشتر از ۹ ماه برنامه‌هایی پر از رنگ، لعاب و نشاط و سرگرمی را می‌بینند، دقت کنیم.

تهیه‌کننده از سرگذشت درباره اساس طراحی این برنامه عنوان می‌کند: چند ماه پیش روایتی شنیدم که روی من تأثیر گذاشت. در پی آن به این نتیجه رسیدیم که اثر را طراحی کنیم. انسان‌ها در مسیر زندگی‌شان شبیه ۱۴۰۰ سال پیش تا امروز از عرفه تا عاشورا و پس از آن بین دوراهی‌های مختلف گیر کرده‌اند. امام حسین(ع) در مسیری که تا شهادت طی کردند با آدم‌های مختلفی دیدار و مذاکره داشتند. در این مسیر تعدادی تنهايش گذاشتند، تعدادی همراه شدند و عده‌ای برگشتند. از این مفهوم به این رسیدیم که همین امروز هم ما آدم‌ها درگیر دوراهی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سختی هستیم و یک انتخاب می‌تواند سرنوشت‌مان را تغییر دهد. فرم برنامه، دکور و... هم نشأت گرفته از اصل ماجرا یعنی امام حسین(ع) و یارانش است که در طول این مسیر با دوراهی‌های متعددی مواجه شدند، عده‌ای عاقبت‌شان بخیر شد و عده‌ای به شر.

را به چالش بکشم. البته جاهایی سوآلاتی را که به ذهنم می‌رسید، می‌پرسیدم که چالشی بود. وظیفه‌ام این است که برای مهمان حس راحتی را فراهم کنم تا قصه‌اش را تمام و کمال و با جزئیات تعریف کند. راهکارش هم از نظرم این بود که خود واقعی‌ام باشم. سعی نمی‌کردم درگیر بازی‌های زبان بدن و تکنیک‌های مختلف شوم. حس می‌کردم در فضای صمیمانه، طرف مقابل دارد برای من چیزی را تعریف می‌کند و با او همراه می‌شدم؛ فارغ از این‌که مقابل دوربین‌ها هستیم.

■ **مجری‌های شناخته‌شده‌ای داریم که سابقه اجرای برنامه‌هایی با این سبک و سیاق را داشتند. برای ایجاد تمایز با مجریان قبلی در این سبک اجرا چه کردید و چطور سعی دارید در گفت‌وگو به نوآوری برسید؟**

قطعا مجریان ما کاربلد، حرفه‌ای و باتجربه هستند و به بهترین نحو کارشان را انجام می‌دهند. من هم همان‌طور که اولین پلان برنامه عرض کردم ادعایی در مجری‌گری ندارم و صرفاً در این برنامه می‌زبان هستم. برای من هم تجربه جدیدی بود. اتفاقاً دنبال این نبودم که صاحب‌سبک باشم. دنبال ایجاد تمایز میان خود و کسانی که دارند در این زمینه کار می‌کنند، نبودم. اما همیشه یک باور دارم که با بیان آن شاید گریزی هم به سؤال قبلی برنیم. هر انسانی نسخه منحصر به فرد خود است و برای همین خود واقعی بودن حتی در زبان بدن تأثیر مستقیم و بسیار زیاد می‌گذارد. این‌که شما هستی درونی‌ات را به پوسته بیرونی‌ات متصل کنی؛ همان چیزی که در دلت می‌گذرد و حسی که داری را در زبان بدن، کلام و رفتارتر ارائه دهی، باعث صاحب‌سبک شدن می‌شود. به نظرم نیاز به چیز دیگری نبود که بخواهم یک‌سری تصنعات را وارد کار کنم.

■ **چقدر در گفت‌وگو و شیوه روایت تلاش دارید که اصولی را برای به مرور بیان کردن ماجرا داشته باشید و یا ایجاد تعلیق، مخاطبان را بیشتر همراه کنید؟ در این مورد چقدر با کارگردان تعامل داشتید؟**

مادرانه

روایت تلخ زندگی ثریا



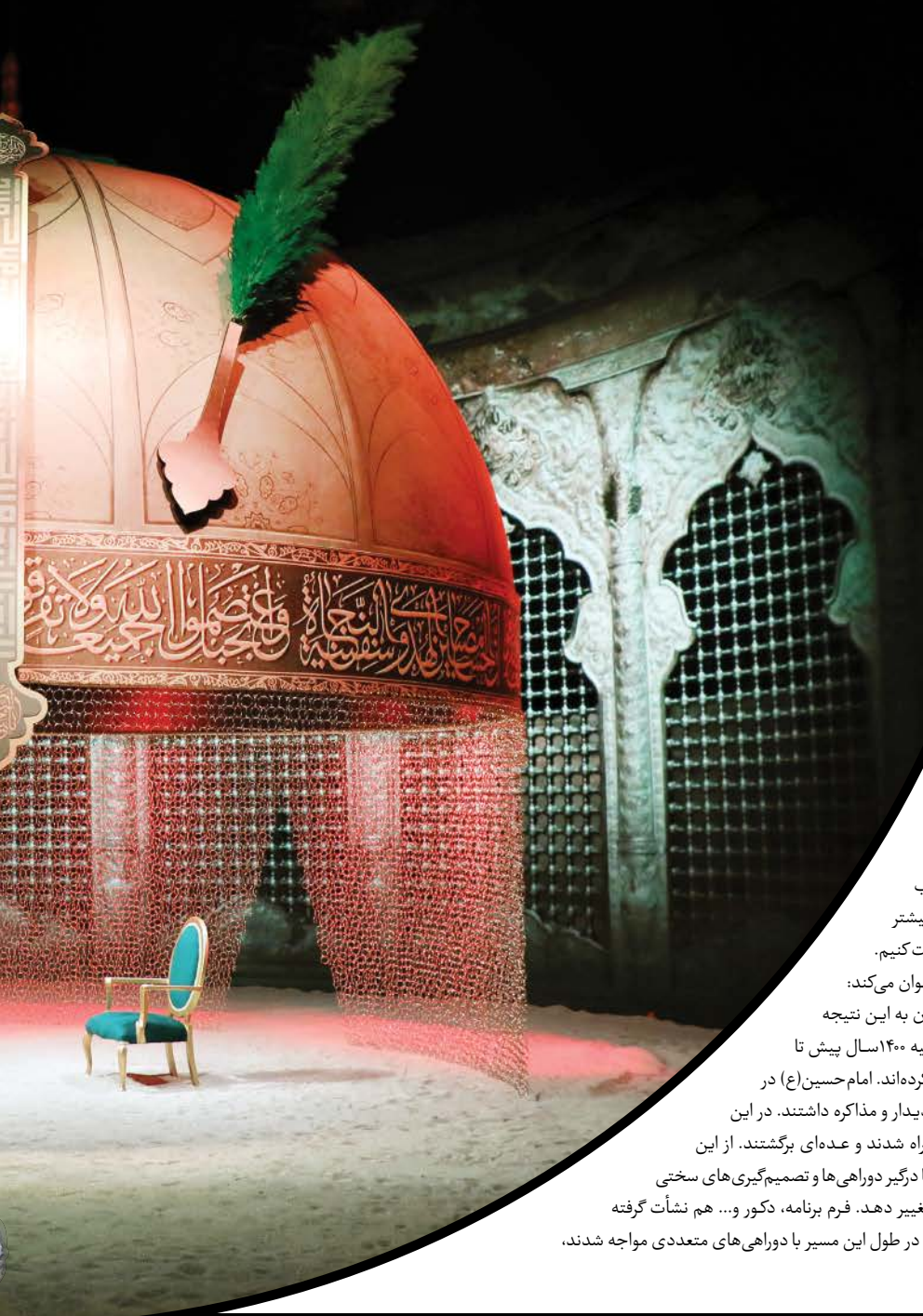
ثریا عبداللهی را بیشتر آنهایی که فیلم سرهنگ ثریا را دیده‌اند، می‌شناسند؛ مادری که پسرش جذب فرقه منافقین شد و هنوز هم نتوانسته یک دیدار ساده با او داشته باشد. او در اولین برنامه «از سرگذشت» حاضر شد تا یک روایت دست اول از ماجرای جذب پسرش ارائه‌کند. ثریا سال ۱۳۸۸ به‌همراه تعدادی دیگر از پدران و مادرانی که فرزندان‌شان سرگذشتی چون امیراصلاح پیدا کرده بودند، روانه عراق شد. آنها در بیابان‌های این کشور پشت درهای بسته پاک‌دان اشرف نشستند؛ یعنی در تنها جایی که ممکن بود فرزندان‌شان را ببینند، بعضی از آنها سه و نیم سال پشت این درها ماندند و توسط اعضای فرقه تحقیر شدند و سنگ و چوب خوردند. ثریا عبداللهی مادر امیراصلاح حسن‌زاده است که برای نجات فرزندش از جنگ فرقه تروزیستی منافقین، چهار سال در کنار پاک‌دان اشرف زندگی کرده بود. او در برنامه ثریا به یک نکته تلخ اشاره کرد و از مصاحبه‌ای گفت که پسرش انجام داده بود. ثریا در این باره عنوان کرد، پسرش در یک گفت‌وگو اعلام کرده که ثریا مادرش نیست و حاضر است او را در میدان آزادی اعدام انقلابی کند.



کی‌وارکد را اسکن کنید

پرونده «جام جم» برای بر

گفتن از سرگذشت



قطعا نتیجه‌ای که بینندگان می‌بینند حاصل کار گروهی چندین روزه یک تیم چندنفره اعم از کارگردان، تهیه‌کننده، سردبیر، نویسنده‌ها، مشاورها و نهائیا من مجری است. خیلی جاها تکنیک مرور داستان را اجرا می‌کردم تا ذهن مخاطبان مغشوش نشود. قطعا تجربه محمد پیوندی تأثیرگذار بود و به من کمک کرد. البته به دلایلی نتوانستم خودم را در این برنامه نشان دهم و مطمئن‌م اگر فکر باشد در آینده حضور پیداکنم شاید نتیجه‌اش خیلی فرق داشته باشد.

زاویه

فرشته‌هایی در قامت بیماران سندرم داون



برنامه «از سرگذشت» در یکی از قسمت‌های خود، میزبان مادری شد که بعد از یک اتفاق، زندگی خود را وقف کودکان سندرم داون کرده و داستان دنیای خاص آنها را روایت می‌کرد. این مادر که روزگاری خودش فرزند سندرم داون داشته، فرزندش را از دست داده است. او در بیان خاطرات خود گفته بود که در دوران بارداری خواب امام حسین(ع) را دیده و بعد از رفتن فرزندش، تلاش کرده مددی برای کودکانی باشد که سندرم داون دارند. در این برنامه برخی از بیماران سندرم داون حضور داشتند که این مادر از آنها حمایت کرده است. یکی از آنها در این برنامه گفته بود: «میگن ما سندرم داون داریم اما ما سندرم داوئی‌ها، فرشته نجات آدم‌ها هستیم». در این قسمت، یکی از بیماران سندرم داون که مهمان برنامه شده بود، یک مداحی زیبا و احساسی در رثای امام حسین(ع) خواند که مورد توجه بسیاری از مخاطبان قرار گرفت.



کی‌وارکد را اسکن کنید

گزارش تصویری



کی‌وارکد را اسکن کنید